

زنان خاورمیانه در مجله «تحقیقات خاورمیانه»

Merip Reports, Middle East Research and Information Projects

«Women and Work» No. 95, March-April 1981

«Women and Politics» No. 138, Jan-Feb. 1986

«Gender and Politics, Are Changes for the Better?»

No. 173, Nov-Dec. 1991

مجله Merip، یا تحقیقات خاورمیانه در سال ۱۹۷۱ پایه گذاری شد، و از آن پس تقریباً هر دو ماه یک بار منتشر می‌گردد. در این مجله مباحث سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی به وسیله محققین بررسی می‌گردد. این مجله به مسائل حاد خاورمیانه همچون روابط امریکا و خاورمیانه و بحران‌های مختلف، شماره‌های بسیاری را اختصاص داده است. گاه کشورهای متفاوت مورد بررسی قرار می‌گیرند مانند ایران، سوریه، ترکیه، مصر و غیره و گاه موضوع‌های خاص مانند زنان.

در این چند صفحه به معرفی مقالات آخرین سه شماره Merip در مورد زنان می‌پردازیم. شماره اول که در سال ۱۹۸۱ بچاپ رسید به جنبه اقتصادی فعالیت زنان خاورمیانه می‌پردازد، و دو شماره دیگر بر «زن و سیاست» تمرکز دارد. حال به معرفی برخی از این مقالات که موضوعهای قابل طرحی در تحقیقات ایرانی می‌تواند داشته باشد می‌پردازیم: نویسندگان مقالات این مجله متخصصین خاورمیانه بوده سعی می‌کنند با دیدگاه انتقادی به

آنچه پیشینیان در مورد زنان خاورمیانه گفته‌اند بنگرند. آنها نه تنها به تصویر کردن چهره زنان این منطقه بسنده نمی‌کنند، که می‌کوشند از درون جوامع به فعالیت زنان و جایگاه این فعالیت در زندگی جامعه بپردازند.

تمام مقالات چکیده رساله یا کتابهایی است که نویسندگان بچاپ رسانیده‌اند. تمام نویسندگان زن هستند و عکسهای بسیار گویایی از موضوع ارائه داده‌اند. اولین تصویری که در این مقالات از زن داریم، از زن مصری قرن ۱۹ میلادی است که باری از خشت و آجر بر سر دارد، و از پله‌های نردبان باریکی بالا می‌رود. (Mona Hammam, 1981) این چنین است که هرگاه نیروی مردانه با کمبود مواجه می‌شود، زنان را در مردانه‌ترین مشاغل در حال کار می‌بینیم.

برای همین زمان شاهد فعالیت سیاسی زنان هستیم که علیه دولت عثمانی تظاهرات خیابانی می‌کنند، آنها زنان و مردان را به گردهمایی و اعتراض جمعی دعوت می‌کنند. آنها از وجود ارتباطات خویشاوندی و محله‌ای استفاده می‌کنند تا خبرگیری و خبررسانی نمایند.

در دو مقاله که در مورد ایران درج شده است، با همین نوع فعالیت زنان در سیاست غیررسمی مواجه می‌گردیم. مری هگلند (۱۹۸۶) در مورد روستایی ۳۰۰۰ نفره با نام مستعار علی‌آباد در اطراف شیراز می‌نویسد، و اریکا فریدل (۱۹۸۱) در روستایی از منطقه بویراحمد تحقیق بعمل آورده است. جمعیت روستای علی‌آباد بخشی کشاورز و بخش دیگر خرده‌فروش می‌باشد. آنان که کشاورزند اغلب مشغول فعالیت‌های کشاورزی هستند. بخش دیگر به غیر از امور خانه‌داری، مسئول کارهای تجاری شوهر نیز می‌باشند. مردها اغلب دور از خانه‌اند، و زنان بایستی مطلع از امور بوده، قادر به فروش و حل و فصل مسائل گرد خانه و مغازه باشند. این زنان که از خانواده سادات نیز می‌باشند، از نظر اجتماعی بسیار فعال هستند، و در شبکه خویشاوندی و در مواقع مراسم مذهبی رفت و آمدهای بسیاری انجام می‌دهند و طی این رفت و آمدها حفظ ارتباط می‌کنند، اطلاعات گردآوری و پخش می‌نمایند. نتیجه فعالیت این زنان را خانم هگلند در چهار نکته خلاصه می‌کند!

۱ - فعالیت سیاسی زنان در مورد مهمترین مسائل مطرح شده در ده است. این فعالیت آنها هیچگونه تضادی با رفتار مورد قبول برای زنان ندارد.

۲ - فعالیت زنان خودجوش و غیررسمی بوده، هیچ تضادی با رسیدگی به امور خانه، فرزندان و شوهر ندارد.

۳ - در حین فعالیت، زنان در مجاورت با مردان به صورت غیرمشروع قرار نمی‌گیرند، همکاری آنها با زنان و مردان قوم و خویش بوده و مسئله غیراخلاقی بروز نمی‌دهد.

۴ - هر چند این فعالیتها برای حفظ یکپارچگی گروه و قوم اهمیت دارد، اما به طور کلی از نظر اهمیت پایتتر از فعالیت مردان قلمداد می‌شود.

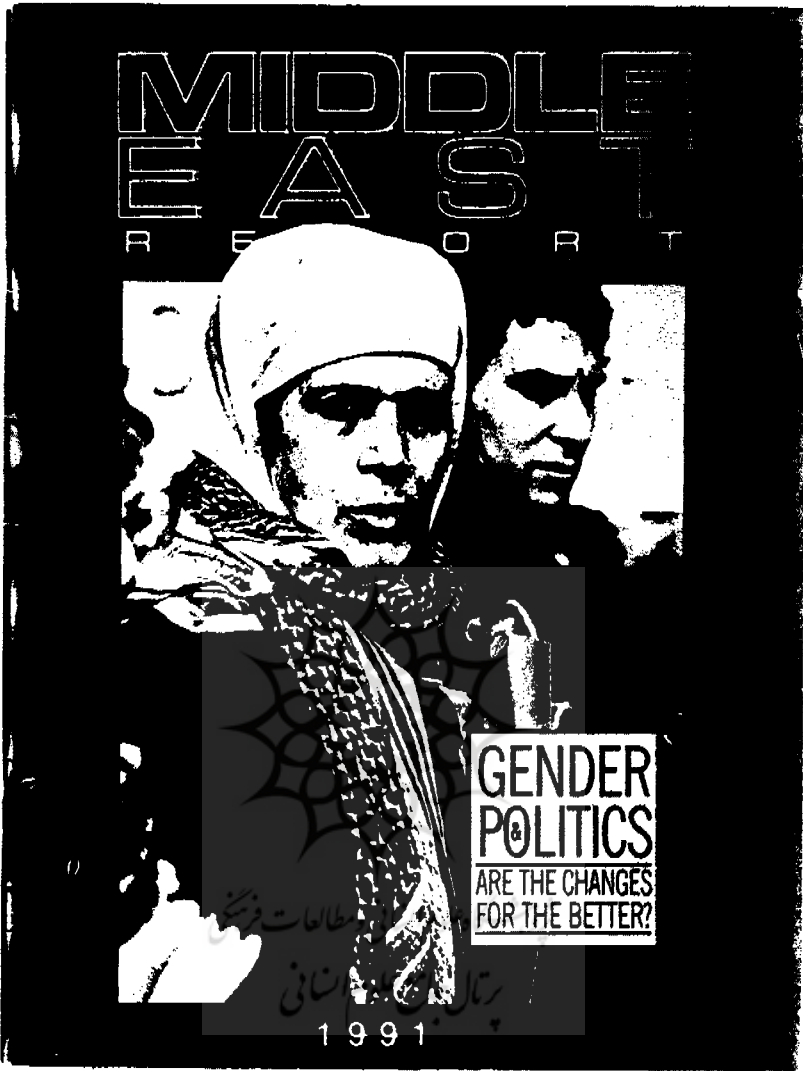
بدین ترتیب می‌بینیم زنان در آنچه زندگی سیاسی در روستا تعریف می‌شود، فعال بوده و این فعالیت تضادی با اخلاقیات جامعه ندارد.

در مورد مصر نیز می‌بینیم تا زمانی که اعتراضات در محیط روستایی و محله‌های شهرها صورت می‌گرفت، زنان فعال بودند - اما از زمانی که سیاست رسمی شد و از کوی و برزن به ادارات و مکانهای خاص حضور مردان منتقل گشت، زنان از سیاست دور نگاه داشته شدند. زبان اعتراض آنها زبان انفعالی سکوت و تحمل و یا حداکثر سرزنش خصوصی گشت، یعنی اسلحه افراد ضعیف. (Judith Tucker 1986) آن نمونه از زنهایی که از مرز فعالیت رسمی و غیررسمی عبور کردند و به حیطه مردانه و مشاغل سیاسی دست یافتند، مانند خانم ایندیرا گاندی یا گلدا مایر، اینها «مردان افتخاری» بودند و همچون مردان نقش سیاسی ایفا کردند، و به ندرت به عنوان زن و با خواست‌های زنان ظاهر شدند.

اگر سیاست نوین برای زنان اثر معکوس داشته، یعنی حداقل برای برهه‌ای از زمان آنها را از مراکز سیاسی و تصمیم‌گیری دور نگاه داشته است، از نظر اقتصادی نیز می‌بینیم توسعه در بخش روستایی «مردگرا» بوده است. خانم اریکا فریدل (۱۹۸۱) می‌گوید زنان تحصیلکرده روستایی به زندگی در خانه محصور شده‌اند. همسر درآمدی به خانه می‌آورد، و آنها خرید می‌کنند. زنان شیر خشک بیشتر به نوزادان می‌دهند، لباس بهتر به فرزندان می‌پوشانند، اما دیگر کار تولیدی کشاورزی و دامداری نمی‌کنند.

آن زنانی که تحصیلکرده و معلم یا ماما شده‌اند، آنها نیز درگیرهای بسیاری دارند: یک موضوع اساسی رفتن به محل کار است، که می‌بایستی در مجاورت محل اقامت همسر باشد. خانم فریدل که از ۹ نمونه زنان شاغل سخن می‌گوید، مشاهده کرده است که دو نفر ازدواج نکرده‌اند، یک نفر هنوز فرزند ندارد و تحت فشار شدید خانواده است که کار را رها کرده فرزند پیدا کند، ۱ نفر در عرض ۵ سال زندگی مشترک، ۴ اولاد پیدا کرده است. او ضعف جسمانی دارد و نه قادر به انجام وظایف حرفه‌ای خود می‌باشد، و نه کارهای منزل را به صورت مطلوب انجام می‌دهد. بدین ترتیب نظر عموم آن است که دختر نباید زیاد درس بخواند زیرا آنگاه از همسر اطاعت نمی‌کند، و علاقه به کار خانه را از دست می‌دهد، و این سبب عدم هماهنگی در یک خانواده می‌گردد. خانم فریدل می‌گوید جامعه این موضوع را در نظر نمی‌گیرد که مرد نیز می‌تواند در امور خانه به زن کمک نماید، و بدین ترتیب تحصیل زن به صورت یک مشکل درآمده است، و کار آموزشی یا بهداشتی زنان و درآمد حاصله از آن سبب بدست آوردن هویت و اهمیت شخصی و هدف برای زن نشده است. بالعکس موجب اغتشاش فکری شده، و راه‌حلی در آن زمان (سال ۱۹۷۶) در افق نبوده است.

در شهرهای مختلف خاورمیانه آمار همچنان مشغول قید تعداد زنان «فعال» بوده است. حتی در یمن که یکی از کشورهایایی است که بعد از کشورهای آفریقای شمالی یا ایران و ترکیه دست به ترغیب زنان برای شرکت در فعالیتهای شهری نموده است، می‌بینیم زنان در بخش آموزش و بهداشت، ارتباطات، تجارت و حقوق مشغول فعالیت هستند. آنها برخی مشاغل نمایشی را نیز به عهده گرفته‌اند، همچون قائم‌مقام وزیر اطلاعات، وکیل مجلس و ریاست منطقه‌ای بهداشت و مسائل اجتماعی. در هیأت ۱۵ نفره قضات دادگاه عالی یک نفر زن قاضی نیز



در کشور اردن که ۲۵٪ از نیروی فعال آن به خارج از اردن مهاجرت نموده است، و کشور محتاج به نیروی فعال زنان است، باز می‌بینیم زنان در همان حیطه‌های معمولی فعالیت زنان یعنی آموزش (۴۶٪) و بهداشت مشغول به کار هستند. (Linda Layne, 1981) طرز تفکر معمولی نمی‌تواند زنان را در مشاغل صنعتی مانند «لوله‌کشی و سیم‌کشی» بپذیرد، و به این دلیل است که در یک مرکز آموزش حرفه‌ای که برای دختران تأسیس شده است، در زمینه‌های زیر آموزش می‌دهند: نخ‌ریسی، خیاطی و بچه‌داری. خانم لیندا لین که موقعیت زنانی را که در بخش صنعتی مشغول به کار هستند مورد مطالعه قرار می‌دهد، با مسائل مهمی روبرو می‌گردد: ابتداء او می‌بیند همه کارگران مدتی کمتر از دو سال در کارخانه کار می‌کنند. ۸۸٪ از آنها ازدواج نکرده

بودند، ۴۳٪ آنها بین ۱۵ - ۲۰ سال داشته، ۱۴٪ آنها ۲۰ - ۲۵ سال و ۱۹٪ آنها ۲۵ - ۳۰ سال داشتند. درآمد آنها در زمان آغاز کار ۱/۳ درآمد یک مرد است. یک کارفرما به خانم لین می‌گوید او ترجیح می‌دهد زنان را به کار گمارد زیرا آنها به ندرت به خاطر درآمد کم کار را ترک می‌کنند. او زنان زشت‌صورت را انتخاب می‌کند زیرا زود ازدواج نمی‌کنند و نمی‌روند، و عاقبت زنان را بکار می‌گمارد زیرا آنها آرام، صبورند و دقیق کار می‌کنند.

در استانبول (۱۹۹۱) زنان وارد بازار بین‌المللی کار شده‌اند هر چند این کار را در چارچوب خانواده انجام می‌دهند و به کار خود به صورت «کار» نیز نمی‌نگرند! نقش سنتی زنان به غیر از خانه‌داری و بچه‌داری، انجام مقداری خیاطی و بافندگی و گلدوزی بوده است. امروز تجار کوچک از این تخصص زنان استفاده کرده، تولید آنان را به قیمت بسیار ارزان از آنان می‌خرند و به تجار بزرگتر می‌فروشند، تا این صنایع دست‌دوز به بازارهای بین‌المللی ارائه گردند. سرمایه‌داران به این نیروی کار به صورت بسیار مثبت می‌نگرند زیرا آنها احتیاج به محیط کار ندارند، آنان به عنوان کارگر استخدام نمی‌شوند و تشکیلات صنفی به وجود نمی‌آورند، و تقاضای بیمه و بازنشستگی و غیره نیز نمی‌کنند.

تاجر جزء که این متاع را از زنان خریداری می‌کند، از اقوام یا حداکثر هم‌محلای‌های این زنان است. از نظر اخلاق سنتی کاملاً قابل قبول است که زن این کار را انجام دهد و در ازای آن مبلغی دریافت کند. اما زنی که تولید خود را به بازار ببرد و بفروشد و سر قیمت با خریدار چانه هم بزند، مورد انتقاد دیگران قرار می‌گیرد. این کار زنان حتی هیچ جایی در آمار ندارد، هر چند متاع تولیدشده برای صادرات است.

زندگی فلسطینیها تجربه زنان را به صورت دیگری مطرح کرده است. در اینجا (۱۹۸۶) می‌بینیم محقق در پی یافتن حیطه سیاسی زندگی زنان و اثر توسعه بر فعالیت سیاسی زنان نبوده، زیرا زندگی روزمره زن فلسطینی سیاسی شده است: خانم Julie Peteet می‌گوید تولد و تربیت یک فلسطینی خود یک عمل سیاسی است. رفت و آمدها همه سیاسی است و نهایتاً مادر شهید بودن خود مظهر ستمی است که بر فلسطینیها می‌شود و خبرنگاران از یک مادر شهید دیدن می‌کنند. به گونه‌ای دیگر، هر آنچه زنان به صورت سنتی انجام می‌دادند حالا در خدمت اهداف ملی قرار گرفته است و همه هدف یکپارچه کردن و هماهنگ نمودن مردم فلسطین را دارند. برقرار کردن موازنه بین فعالیت‌های مردان و زنان، در خانه و در خارج از خانه مطرح نمی‌باشد.

در انتها بد نیست این معرفی کوتاه از مقالات بسیار متنوع و آموزنده Merip را با کلامی چند از خانم نوال سعداوی از مصر خاتمه دهیم. خانم سعداوی (۱۹۸۱) یک روستایی است (از Kafr Tahle در ۴۰ کیلومتری قاهره). او روستایی بودن خود را عنوان می‌کند و می‌گوید، «ما زنان تحصیلکرده می‌دانیم باید ارتباط مستقیم خود را با ریشه‌هایمان حفظ کنیم.» بدین دلیل او سالانه ۳ یا ۴ بار به این روستا بازمی‌گردد. حرفه‌اش پزشکی است و بدین وسیله او در طبقه متوسط پایین یا متوسط جامعه جایی برای خود یافته است، جایی که او به سختی در محیط حرفه‌ای مردانه توانسته است کسب کند، «زن باید نابغه باشد تا بتواند خود را بقبولاند، البته این مثبت

MIDDLE EAST REPORT

Women & Politics

Sudan
Sondra Hale

Iran
Mary Hegland

Middle East
Suad Joseph

Palestine
Julie Peteet

Egypt
Judith Tucker

Also:
**Spies
for Israel**
Jeff McConnell

No. 138

January-February 1986

\$3.00/£2.50

۲۵۶

است زیرا سبب می شود آدم زیاد کار کند، اما منفی است زیرا آدم با فشار و ناکامی روبرو است.»
خانم سعداوی معتقد است استعمار سعی کرده هر آنچه در تاریخ و مذهب مصر منفی بوده
به آنها نشان دهد و بدین حيله آنها را از گذشته فرهنگی شان دور نگاه دارد. حال واجب است این
گذشته فرهنگی بازشناسی شود، «فقط با شناخت ریشه های فرهنگی خودمان می توانیم اعتماد به
نفس را در خودمان بسازیم.» او تأکید می کند که زنان باید هویت خود را بیابند، هویتی مجزا از
مردان، هویتی که ریشه در فرهنگ مصری دارد. به نظر او تقلید از نحوه زندگی و رفتار غربی به
هیچ وجه راه استقلال زنان خاورمیانه نمی باشد، و آنها باید هویت خود را بر مبنای فرهنگ خود
بیابند. این فقط به صورت جمعی و به همت زنان امکان پذیر است.